

دکتر رابرت سی. نیومن، معجزات، جلسه ۱

بررسی عهد عتیق و جدید

رابرت نیومن و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

خب، سلام. این یک دوره کوتاه با عنوان «معجزات و معجزات عیسی» است. سال‌ها پیش در مدرسه علوم دینی کتاب مقدس تدریس می‌شد، و حدود یک سال پیش، آن را به پاورپوینت تبدیل کردم و در دوره‌های آموزش بزرگسالان در کلیسای پروتستان ترینیتی در شارلوتزویل ارائه دادم.

کاری که ما اینجا سعی داریم انجام دهیم این است که در چهار جلسه اول، چه باید بگوییم، به معجزات، خواهیم پرداخت و سپس در سه یا چهار جلسه آخر، به معجزات عیسی خواهیم پرداخت. در جلسات اول، معجزات عهد عتیق و عهد جدید بررسی می‌شوند و سپس روایت‌های معجزات در آپوکریفای عهد جدید، دوره‌های پس از رسولان و قرون وسطی، و سپس علم و ظهور لیبرالیسم الهیاتی، و در نهایت در جلسه چهارم، به پاسخ به اعتراضات لیبرال‌ها به معجزات خواهیم پرداخت. بنابراین، این چهار واحد، چیزی را که ما معجزه می‌نامیم، پوشش می‌دهد.

سپس به بررسی معجزات عیسی خواهیم پرداخت و اول از همه به معجزات عیسی در قلمرو طبیعی خواهیم پرداخت و به چندین نمونه از عهد جدید، انجیل‌ها، نگاهی خواهیم انداخت. سپس، به معجزات عیسی در قلمرو انسانی و چندین معجزه دیگر در آن دسته نگاه خواهیم کرد. و در نهایت، معجزات عیسی در قلمرو معنوی که با شیاطین و موارد مشابه سروکار دارد. بنابراین، اساساً ایده کاری که می‌خواهیم اینجا انجام دهیم همین است. بنابراین، اجازه دهید اشاره‌گر خود را اینجا پیدا کنم تا از آن بخش خارج شویم و به اینجا برسیم.

خب، اولین موضوع ما معجزه است، یکی از معجزات عهد عتیق و جدید. معجزه چیست؟ خب، تعریفی که، از دیکشنری وبستر در سال ۱۹۶۶، که البته یک دیکشنری جدید واقعی نیست، اما در کتابخانه من هست ارائه شده، این است: رویداد یا عملی که ظاهراً با قوانین علمی شناخته شده در تضاد است. این خیلی بد نیست، اما تقدیرهای شگفت‌انگیزی مانند بلدرچینی که در اعداد ۱۱:۳۱ به اردوگاه پرتاب شد را از بین می‌برد.

بنابراین، کتاب مقدس تعریف گسترده‌تری از معجزه نسبت به آنچه فرهنگ لغت وبستر ارائه می‌دهد، دارد. بیاید نگاهی به اصطلاحات کتاب مقدس برای معجزات بیندازیم. من پس از بررسی اصطلاحات، آن را به سه دسته تقسیم می‌کنم.

اول از همه، اصطلاحاتی که جنبه شگفت‌انگیزی یا شگفت‌انگیزی یک معجزه را بیان می‌کنند. کلمات عبری در این دسته‌ها قرار می‌گیرند *teras*، *thauma*، و کلمات یونانی *mophet*، *niflaot*، *pele*، *temach*، بنابراین، یکی از چیزهایی که کتاب مقدس می‌گوید معجزات هستند، چیزهایی هستند که جنبه شگفت‌انگیزی یا شگفت‌انگیزی دارند.

دوم، اصطلاحاتی که قدرت را بیان می‌کنند. دونامیس یونانی در این زمینه خاص اصلی است، و بنابراین معجزات رویدادهایی هستند که قدرت بزرگی را بیان می‌کنند. حتی می‌توانیم بگوییم قدرت ماوراءالطبیعه.

در این دسته *seimeon* و کلمه یونانی *ot* و سوم، اصطلاحاتی که اهمیت معجزه را بیان می‌کنند. کلمه عبری خاص قرار می‌گیرند. بنابراین، اگر بپرسیم معجزه چیست، می‌توانیم یک تعریف کتاب مقدسی از معجزه ارائه

دهیم و آن این است که معجزه کتاب مقدسی، رویدادی قابل توجه یا شگفت‌انگیز است که قدرت ماوراء طبیعی را نشان می‌دهد و قصد دارد اهمیت خاصی را به همراه داشته باشد.

ما با این تعریف کار خواهیم کرد، که رویدادهای چشمگیر تقدیری را رد نمی‌کند. بنابراین، می‌خواهیم مروری سریع بر معجزات عهد عتیق، سیری سریع در ماهیت و هدف آنها، و کمی در مورد هر دو، همانطور که به آنها می‌رسیم، داشته باشیم. اول از همه، خلقت را داریم که در پیدایش ۱ تا ۳ روایت شده و سپس صدها بار به آن اشاره شده است و چیزی که می‌توانیم آن را نیمه روایت در دو یا سه متن دیگر بنامیم.

به نظر می‌رسد رویدادهای بی‌شماری در اینجا شامل معجزه می‌شوند، حتی اگر انسان‌ها تا زمان خلقت در انتها حضور نداشته باشند. بنابراین، ممکن است معجزه فقط برای منفعت انسان‌ها رخ ندهد یا شاید به عبارت دیگر، ممکن است برای منفعت موجودات دیگر نیز رخ داده باشد. کتاب مقدس به روشنی بیان می‌کند که موجودات هوشمند دیگری علاوه بر انسان‌ها در کل قلمرو خلقت خدا وجود دارند، یا ممکن است برای منفعت انسان‌ها هزاران سال یا بیشتر پس از وقایع طراحی شده باشند، زمانی که شاید بتوانیم شواهدی از آنها را در ادامه ببینیم.

خود IBRI بنابراین، ما قصد نداریم برخی از آنها را دنبال کنیم، اما تعدادی سخنرانی پاورپوینت در وبسایت داریم که به برخی از این جنبه‌ها می‌پردازد. سیل. سیل در فصل‌های ۶ تا ۹ کتاب www.ibri.org به آدرس پیدایش روایت شده است. به نظر می‌رسد که در اینجا هم مداخله و هم مشیت الهی دخیل بوده است و هدف سیل کاملاً مشخص است.

داوری برای کسانی که در کشتی نیستند، و رستگاری برای کسانی که هستند. سپس، به دوره پاتریارخ‌ها می‌رسیم. ما این واقعه را داریم که در بابل، پیدایش ۱۱، رخ می‌دهد، و واضح است که این نوعی داوری است تا بر غرور انسان‌ها داوری کند و شاید در کاری که ممکن است بتوانند در شورش علیه آنچه می‌توانستند انجام دهند، اگر از خدا اطاعت می‌کردند و در آن مسیر حرکت نمی‌کردند، انجام دهند، دخالت کند.

و مطمئناً، با نگاهی به گذشته و با هزاران سال تجربه، می‌توانیم ببینیم که تنوع زبان قطعاً مسائل را پیچیده می‌کند. و ابراهیم. خب، ابراهیم این مشعل فروزان را در پیدایش ۱۵:۷ می‌بیند که از میان این تکه‌های جدا شده قربانی‌اش عبور می‌کند. این نوعی ظهور خداست، یک تجلی الهی، ها؟ و این شامل عهد خدا با ابراهیم و همچنین شامل وحی از آنچه قرار است پس از زمان خود ابراهیم اتفاق بیفتد، می‌شود.

سپس ماجرای سدوم و عموره در پیدایش ۱۸ و ۱۹ وجود دارد و این به وضوح دوباره داوری با رهایی برای لوط و خانواده‌اش است. سپس، تولد اسحاق در پیدایش ۱۸ و سپس، دوباره در پیدایش ۲۱ وجود دارد، و این به وعده و عهد خدا مربوط می‌شود. با کنار رفتن از ابراهیم، به رویاهای یوسف در پیدایش ۳۷ و ۴۰ و می‌پریم و در اینجا مکاشفه‌ای از آنچه قرار است در زندگی این نانا و ساقی اتفاق بیفتد و اگر دوست ۴۱ دارید، چه اتفاقی قرار است در تاریخ مصر بیفتد، می‌بینیم و اگر دوست دارید، آنها همچنین برای رهایی و برای تأیید ارتباط یوسف با خدا عمل می‌کنند، که فرعون آن را به وضوح می‌بیند.

در دوره موسی، در فصل سوم کتاب خروج، بوته سوزان را می‌بینیم. یک وحی، یک وعده، اساساً خدا می‌گوید که من وعده‌ام به ابراهیم را به یاد آوردم و غیره، و من قوم اسرائیل را از بردگی‌شان در مصر رهایی خواهم بخشید. بنابراین، وحی و وعده و رهایی.

سپس نشانه‌های موسی را داریم. عصایش را به یاد دارید که به مار تبدیل می‌شود، و دستش را که بسته به اینکه جذامی یا غیر جذامی شود، چیزی شبیه به دکمه‌ای است که فشار می‌دهید و شروع به کار می‌کند، و سپس همان دکمه را فشار می‌دهید، خاموش می‌شود، چیزی شبیه به آن. اینها به وضوح گواهی موسی، پیامبر

و پیام اوست که خداوند او را برای رساندن بنی اسرائیل فرستاده است، که در وهله اول برای گواهی دادن به بنی اسرائیل و در وهله دوم برای فرعون در نظر گرفته شده بود.

سپس بلاها، خروج ۷ تا ۱۲، وجود دارند و این بلاها به عنوان گواهی بر این هستند که این خداست که این بلاها را می فرستد، نه خدایان مصر که کنترل امور را در دست دارند. بنابراین او از داوری هایی که در واقع بر سر خدایان ادعایی مصر از انواع مختلف، که رود نیل نیز یکی از آنهاست، و بسیاری از انواع مختلف حیوانات فرود می آید، استفاده می کند. و این همچنین یک رهایی برای بنی اسرائیل است که، اگر دوست دارید به عنوان یک خدا، در نوعی مسابقه تسلیحاتی کوچک ابتدا با جادوگران فرعون، و سپس فقط با لجاجت فرعون، و در نهایت در پایان مغلوب می شود. و سپس عبور از دریای سرخ، خروج ۱۴، و دوباره رهایی برای بنی اسرائیل در داوری برای ارتش تعقیب کننده مصر وجود دارد.

سپس، در دوره موسی، تدارکاتی در بیابان فراهم شد. بنابراین، ابر، که به عنوان راهنما عمل می کند، همانطور که ابر حرکت می کند، آن را دنبال می کند، به عنوان محافظت عمل می کند، شب قبل از عبور بنی اسرائیل از دریای سرخ بین اسرائیل و ارتش مصر قرار می گیرد و همچنین به عنوان گواهی نیز عمل می کند. این هشدار برای مصریان است که آنها، حداقل فرعون، به آن توجه نمی کنند، و گواهی برای بنی اسرائیل است که خدا با آنهاست.

اگر دوست دارید، مَنا و آب و بلدرچین در بیابان وجود دارد، که همه نمونه هایی از رزق الهی هستند. لباس ها و صندل هایی که کهنه نمی شوند، تثنيه ۵: ۲۹، که در غیر این صورت چیز زیادی در مورد آنها نمی شنویم، اما به وضوح رزق الهی برای بنی اسرائیل در بیابان نیز هست.

سپس وقایع سینا، دادن شریعت در چنین وحی، گواهی، دود و آتش و صداهایی در کوه که بنی اسرائیل را تا سر حد مرگ می ترساند، و مهر و موم کردن عهد در آنجا با وقایع سینا مرتبط است.

سپس، هنگامی که آنها از سینا بیرون می آیند و شروع به حرکت به سمت شمال می کنند، رهایی، شکست عمالیق در خروج ۱۷، داوری بر عمالیقیان، شهادت دوباره برای بنی اسرائیل، و رهایی برای بنی اسرائیل وجود دارد. واقعه نابودی قورح، داتان و ابیرام در اعداد ۱۶، داوری بر آنها، شهادت اینکه این موسی است که واسطه برگزیده خداست، نه قورح، داتان یا ابیرام. و عصای هارون وجود دارد که در اعداد ۱۷ از آن آویزان است.

به یاد داشته باشید، هر یک از رهبران قبایل یک عصا، هر چه که بخواهیم آن را بنامیم، ارائه می دهند و شب باقی مانده هارون شاخه ها و جوانه ها و گل ها و بادام ها و غیره را بیرون می آورد، که گواهی بسیار چشمگیری است. ما به فتح کنعان می رسیم و عبور از اردن در یوشع ۳ وجود دارد که به صراحت در یوشع ۱۳ تا ۱۴ و سپس ۴، ۶ و ۷ تا ۲۴ به عنوان گواهی بیان شده است. حال، این به بنی اسرائیل ۱۰، ۳، می گوید که همانطور که خدا با موسی بود، خدا با یوشع نیز بود.

همچنین تدارکات به آنها اجازه می دهد که در مرحله سیل از اردن عبور کنند، که در غیر این صورت مجبور بودند برای مدت طولانی، مثلاً چند هفته یا چیزی حدود آن، منتظر بمانند تا این اتفاق بیفتد. واقعه اریحا فرو ریختن دیوارها، اگر دوست دارید، یوشع ۲ و یوشع ۶. داوری بر ساکنان اریحا، به جز فاحشه و خانواده اش، و رهایی برای بنی اسرائیل و رهایی برای خانواده آنجا، همزمان با شروع فتح سرزمین توسط بنی اسرائیل. خورشید در جبعون در یوشع ۱۰ ثابت ایستاده است.

، قضاوت در مورد مخالفان در آنجا این است که بنی اسرائیل می‌توانند آنها را شکست دهند و شکست دهند و گواهی بر بنی اسرائیل و جبعونیان و گواهی دیگری بر یوشع وجود دارد. سپس به دوره داوران می‌رویم و فرشته‌ای از جانب خداوند در داوران ۲ ظاهر می‌شود و به آنها وحی می‌کند که اگر آنها وفادار نباشند، خدا کنعانیان را آنطور که قرار بود وفادار باشند، از بین نخواهد برد، و اگر دوست دارید، او قرار بود در نبردهای آنها پیروز شود. کمی بعد، در داوران ۶، ماجرای پشم گوسفند جدعون را داریم، و این به وضوح گواهی بر جدعون است که این خداست که او با او صحبت می‌کند، و اینکه خدا قرار است کارهای معجزه‌آسایی انجام دهد تا او موفق شود.

در کتاب سامسون، داوران ۱۳ تا ۱۶، اساساً داوری و رهایی را داریم. مطمئناً می‌توان گفت که گواهی برای سامسون وجود دارد، که اگر دوست دارید، سامسون داور برگزیده خداست، اما داوری بر فلسطینیان و رهایی برای بنی اسرائیل. دوره پادشاهی.

، تولد سموئیل، اول سموئیل ۱، تولدی معجزه‌آسا تقریباً شبیه به تولد سارا و راحیل که قبلاً اتفاق افتاده بود و من فکر می‌کنم گواهی بر این است که این سموئیل کسی است که خدا به طور خاص او را جدا کرده است تا، اگر دوست دارید، آخرین داور و اولین پیامبر باشد. رویای سموئیل در اول سموئیل ۳، جایی که او به او می‌گوید چه اتفاقی برای خانواده‌الی خواهد افتاد و غیره، یک وحی و همچنین گواهی برای سموئیل است. ماجرای صندوق عهد در میان فلسطینیان، یک رویداد بسیار جالب، اول سموئیل ۵ تا ۶، جایی که صندوق عهد توسط فلسطینیان به غنیمت گرفته شد، که اگرچه وقتی شنیدند که صندوق عهد رسیده است بسیار ترسیده بودند، اما به هر حال برای محافظت از آزادی خود بیرون رفته و جنگیدند، و در واقع بنی اسرائیل را شکست داده و صندوق عهد را به دست آورده بودند، و واقعاً فکر می‌کردند که همه چیز را به دست آورده‌اند، بنابراین صندوق عهد را در معبد خدای خود قرار دادند و خدای آنها سقوط کرد. صبح روز بعد آنها خدا را در حالی که روی صورتش در مقابل صندوق عهد افتاده است، می‌بینند، آن را دوباره سر جایش می‌گذارند، و حالا صندوق با دست‌ها و پاها از دست رفته به زمین می‌افتد و غیره. سپس، فلسطینیان در آن شهر خاص شروع به ابتلا به طاعون می‌کنند. بنابراین، آن را به مکان دیگری منتقل می‌کنند و در آنجا به طاعون مبتلا می‌شوند. سرانجام، آن را به مکان سومی می‌آورند و می‌گویند، نه، شما این کار را نمی‌کنید، شما آن را اینجا نمی‌آورید و غیره. سپس، آنها با فالگیران خود مشورت می‌کنند و فالگیران یک آزمایش بسیار هوشمندانه طراحی می‌کنند.

آنها می‌گویند، خب، این ممکن است تصادفی باشد، اما واقعاً ممکن است خدای اسرائیل این فاجعه را به بار بیاورد، بنابراین این کاری است که ما قرار است انجام دهیم. ما قرار است مقداری قربانی در صندوقچه قرار دهیم که به گمان من به عنوان نوعی کفاره عمل کند، و صندوقچه را روی یک ارابه قرار می‌دهیم، و قرار است برای حیواناتی که ارابه را می‌کشند، دو گاو شیرده قرار دهیم که مطمئناً نمی‌خواهند از گوساله‌هایشان دور شوند، و آن را برپا می‌کنیم، و اگر ارابه و صندوقچه و گاوها به سمت سرزمین اسرائیل برگردند، خواهیم فهمید که این خدای کتاب مقدس بوده است، اما اگر آنها فقط در اطراف پرسه بزنند یا به دنبال گوساله‌هایشان برگردند، آنگاه خواهیم فهمید که همه اینها یک اتفاق بوده است، و در واقع گاوها و صندوقچه و ارابه به سمت سرزمین اسرائیل می‌روند. بنابراین، این یک وحی است، و گواهی بر بت‌پرستان نیز هست.

سپس دعوت شائول و اول سموئیل ۱۰ وجود دارد، و به ما گفته شده است که این یک گواهی در ۷:۱۰ است، بنابراین این به شائول و دیگر بنی اسرائیل نشان می‌دهد که این انتخاب خدا برای پادشاهی است، زمانی که آنها بی‌صبر می‌شوند و پادشاه می‌خواهند. شاهکارهای یوناتان در اول سموئیل ۱۴، جایی که او و زره‌پوشش بیرون می‌آیند، و یوناتان فکر می‌کند شاید خدا از طریق آنها کاری خارق‌العاده انجام دهد، و او می‌گوید، خوب، این نشانه خواهد بود اگر فلسطینیان بگویند، به اینجا بیایید، ما این را به عنوان نشانه‌ای از

اینکه خدا ما را به پیشروی تشویق کرده است، در نظر می‌گیریم، و اگر بگویند، صبر کنید، ما به آنجا پایین می‌آییم، پس فرض می‌کنیم که اینطور نیست، و احتمالاً دوباره به دنبال پناهگاه می‌رویم. بنابراین، در واقع آنها می‌گویند به آنجا بیایید، و خدا با آنهاست، و آنها در واقع کل آن گروه شاید چند ده سرباز را وحشت‌زده می‌کنند، و نتیجه این می‌شود که کل ارتش فلسطینیان شروع به فرار می‌کند، و بنی‌اسرائیل آنها را تعقیب می‌کنند.

بنابراین، گواهی، اول سموئیل ۸:۱۴ تا ۱۰. سپس، البته، واقعه بسیار آشنای داوود و جالوت در اول سموئیل ۱۷، جایی که داوود داوری بر جالوت و رهایی بنی‌اسرائیل را به ارمغان می‌آورد، و گواهی بر اینکه خدا کسی است که پشت تمام فعالیت‌های داوود در آنجا بوده است، و آغاز دوران داوود، اگر دوست دارید، که در نهایت به پادشاه شدن او منجر خواهد شد. بعداً در دوم سموئیل ۶، پس از اینکه داوود پادشاه شد، این فاجعه را داریم که صندوق عهد را از جایی که سال‌ها در آن بوده به معبد منتقل می‌کنند.

گمان می‌کنم بنی‌اسرائیل، داوود، تصمیم گرفتند که به جای حمل صندوق عهد با تیرک‌های حمل، آن را روی یک گاری حرکت دهند، که مسلماً برای همین منظور طراحی شده بود و باعث قضاوت کسی می‌شود که صندوق عهد را لمس کند، و مسلماً قضاوت بر داوود و امثال آن. آنها در نهایت صندوق عهد را در مسیر درست حرکت می‌دهند و به اورشلیم برده می‌شود. در مراسم تقدیم معبد در اول پادشاهان ۸، پس از اینکه سلیمان سخترانی تقدیم خود را ایراد می‌کند، ابر جلال در معبد ظاهر می‌شود، که به وضوح گواهی بر این است که خدا با این تغییر از خیمه به معبد موافق است، و اینکه خدا با سلیمان نیز هست.

سپس، در اول پادشاهان ۱۳، نشانه‌ای برای یربعام وجود دارد. یربعام یکی از زیردستان پادشاه سلیمان است و پیامبری می‌آید و لباس او را به ۱۲ تکه پاره می‌کند، ۱۰ تکه را به یربعام می‌دهد و می‌گوید، خدا پادشاهی را از جانشین سلیمان خواهد گرفت، و اگر دوست دارید، تکه بزرگ آن را به شما خواهد داد. بنابراین، یک وحی وجود دارد، و سپس ممکن است من در واقع نشان یربعام اشتباهی را اینجا داشته باشم، شاید آن یکی بعد از پادشاه شدنش، که در آن تصمیم گرفته است از مردمش در برابر بازگشت به اورشلیم و عبادت در معبد محافظت کند. سپس او پادشاهی و همه اینها را از دست خواهد داد. بنابراین او دو معبد می‌سازد، یکی فقط چند مایل بالاتر از جاده بتل، و دیگری در انتهای دیگر پادشاهی، در دان. خدا مردی از خدا را به جنوب می‌فرستد، در حالی که یربعام در واقع در حال عبادت است. این مرد می‌گوید کاهنانی که این قربانی‌ها و قربانگاه‌ها و غیره را اداره می‌کنند، روزی استخوان‌هایشان در این مکان خاص سوزانده خواهد شد و این کار توسط پادشاهی به نام یوشیا انجام خواهد شد و بنابراین خدا داوری را به ارمغان خواهد آورد و به عنوان یک نشانه کوتاه مدت، این قربانگاه خواهد شکست و خاکستر بیرون خواهد ریخت، که این اتفاق می‌افتد. یربعام می‌گوید، می‌دانید، آن مرد را دستگیر کنید و غیره، اما ناگهان بازویش یخ می‌زند و پیامبر او را نجات می‌دهد و از این قبیل، بنابراین در ایستگاهی در داوری.

خدمت الیاس در اول پادشاهان ۱۷ تا دوم پادشاهان ۲ وجود دارد. این بخش کامل را پوشش می‌دهد که در آن تعدادی از اتفاقات رخ می‌دهد. من در اینجا به چند اسلاید جداگانه نگاه خواهم کرد، و پس از آن خدمت الیاس و الیشع، از دوم پادشاهان ۲ شروع می‌شود و تا دوم پادشاهان ۱۳ ادامه می‌یابد. بنابراین، خدمت الیاس، الیاس، ببخشید، خشکسالی، اول پادشاهان ۱۷ و ۱۸، داوری و شهادت، داوری بر اسرائیل و به ویژه حکومت خاندان سلطنتی به دلیل سوء رفتارشان، و شهادت اینکه الیاس، الیاس، من مدام اسم‌ها را اشتباه می‌گیرم، در اینجا خواهیم دید که پیامبر خدا، کلاغ‌ها در اول پادشاهان ۱۷ که برای الیاس غذا تهیه می‌کنند. قطعاً یک نوع تدارک غیرمعمول است.

غذای تجدید شده‌ی بیوه در صرغه، و برای او و پسرش، و برای الیاس، آذوقه و دوباره گواهی بر رستاخیز او پسر بیوه همان عملکرد گواهی، بلکه نجات را دارد، و سپس بعداً در آتش در کوه کرمل، هنگامی که الیاس

برمی‌گردد و بر پادشاه ظاهر می‌شود. آنها این مسابقه را بین الیاس و انبیای بعل دارند، با گواهی بسیار قوی مبنی بر اینکه یهوه است. اگر دوست دارید، او خداست. سپس الیاس در اول پادشاهان ۱۸ به یزرعیل می‌دود، آن چیست، آذوقه، گواهی، چیزی، نمی‌دانم، یک رویداد غیرمعمول، جایی که او در تمام آن مسافت جلوتر از اربه می‌دود. تجلی به الیاس در سینا در اول پادشاهان ۱۹ وحی به الیاس است، آذوقه‌ای که خدا هنوز با اوست و به او این کارهای دیگر محول شده است تا خدمت خود را به پایان برساند.

در اول پادشاهان ۲۰، رهایی اخاب از دست سوری‌ها را داریم، و در دوم پادشاهان ۱، آتش بر سربازان می‌بارد، داوری، و دوباره گواهی، و سپس عروج الیاس به آسمان و شکافته شدن رود اردن، دوم پادشاهان ۲، گواهی. خدمت الیشع، درست پس از آن، او با ردای الیشع می‌تواند رود اردن را باز کند، دوم پادشاهان ۲، گواهی، سپس او آب اریحا را در همان فصل شفا می‌دهد، برای مردمی که آنجا زندگی می‌کنند آذوقه فراهم می‌کند و گواهی. دو خرس که وقتی الیشع احتمالاً توسط گروهی از نوجوانان بی‌بندوبار مورد حمله قرار می‌گیرد، دو خرس بیرون می‌آیند و داوری را بر آنها نازل می‌کنند و گواهی که آنها با پیامبر خدا سر و کله می‌زنند.

بعداً در دوم پادشاهان ۳، خدا یک دره پر از آب را برای نجات ارتش‌هایی که فکر می‌کنم یهودا، اسرائیل و اودوم هستند، فراهم می‌کند و دشمنان آنها را داوری می‌کند و برای آنها رهایی و برای الیشع گواهی می‌آورد. او در دوم پادشاهان ۴ با بیوه‌ای که دو پسر دارد، روغن را تکثیر می‌کند. او می‌ترسد که مجبور شود آنها را به بردگی بفروشد و الیشع روغن را در ظرف خود تکثیر می‌کند، بنابراین کمی شبیه ماجرای الیاس قبلی است، اما در اینجا به جای اینکه فقط استفاده شود، در ظروف ریخته می‌شود و سپس برای تأمین معاش خانواده فروخته می‌شود.

زنده کردن پسر شونمی در دوم پادشاهان ۴، و همچنین رهایی، لغو سم در این خورش که یک دسته کدو در آن ریخته شده است، تدبیری برای پسران پیامبرانی است که آن غذا را می‌خورند. همچنین، ما در الیشع ضرب نان داریم. ظاهراً تعدادی نان آورده می‌شود، فکر می‌کنم ۲۰ نان است، اما ما در مورد این نوع چیزها صحبت نمی‌کنیم، بلکه در مورد نوعی پیتا صحبت می‌کنیم، و آن شخص، یکی از دستیاران الیشع، بدون شک می‌گوید، آیا می‌خواهم این را جلوی صد مرد بگذارم؟ و الیشع می‌گوید، بله، و مقدار زیادی باقی خواهد ماند، و همینطور هم هست.

شفای نعمان، متنی بسیار آشنا برای کسانی از شما که در مدرسه یکشنبه بزرگ شده‌اند، دوم پادشاهان ۵، که در آن سردار سوری با پیروی از دستورالعمل‌های الیشع برای هفت بار شستشو در رودخانه اردن از جذام خود شفا می‌یابد. رهایی و شهادت دوباره به یک بت‌پرست، بنابراین ما چندین نمونه از آن داریم. سر تیر شناور در دوم پادشاهان ۶، پسران پیامبران، چه آنها را کارآموز یا دستیار یا چیزی شبیه به آن می‌نامیم در حال تعمیر هستند و مقداری الوار برای ساختن خوابگاه خود می‌آورند، که یکی از آنها، سر از تیرش جدا می‌شود و به رودخانه اردن می‌افتد، و یک سر تیر آهنی در آن زمان گران است، و الیشع با شناور کردن سر تیر برای او، او را نجات می‌دهد.

در دوم پادشاهان، باب ۶، ارتش آسمانی، الیشع، به شهر دوتان رفته است و پادشاه سوریه اخیراً متوجه شده است که توانایی او برای حمله به ارتش اسرائیل به شدت کاهش یافته است، زیرا بنی اسرائیل همیشه می‌دانند که ارتش سوریه کجا خواهد بود. پادشاه، پادشاه سوریه، گمان می‌کند که در میان آنها جاسوسی وجود دارد، اما یکی از آنها می‌گوید، نه، او الیشع است. الیشع می‌داند که شما در اتاق خواب خود چه می‌گویید. و بنابراین، پادشاه، به نظر من نسبتاً غیرمنطقی، تصمیم می‌گیرد که با فرستادن ارتشی برای محاصره الیشع، او را غافلگیر کند. خب، او ارتشی را برای محاصره الیشع می‌فرستد، و وقتی الیشع و خدمتکارش صبح روز بعد در دوتان از خواب بیدار می‌شوند، ارتش سوریه در اطراف او حضور دارد.

خدمتکار بسیار نگران است، اما الیشع می‌گوید، خدایا، چشمان خدمتکارم را باز کن، و ناگهان، خدمتکار می‌تواند بخشی از دنیای نادیده را که ما معمولاً نمی‌توانیم ببینیم، ببیند. او می‌تواند ببیند که ارتش دیگری در آنجا وجود دارد. اگر متن را درست خوانده باشم، این ارتش دیگر بین او و سوری‌ها است، که احتمالاً درست بیرون دیوارهای دوتان و رو به بیرون است. آنها اربابه‌های آتشین و از این قبیل چیزها دارند. بنابراین، آنها نوعی ارتش فرشته‌ای هستند که الیشع و خدمتکارش را از سوری‌ها نجات می‌دهند و همچنین به خدمتکار گواهی می‌دهند که الیشع واقعاً از جانب خداست.

سپس، درست بعد از آن، الیشع سوری‌ها را کور می‌کند، و ما نمی‌دانیم که این دقیقاً چه شکلی به خود می‌گیرد. آنها حرف او را وقتی می‌گوید، شما شهر اشتباهی را انتخاب کرده‌اید، و بگذارید شهر درست را به شما نشان دهم، قبول می‌کنند. او آنها را به سامره می‌برد، و وقتی توسط ارتش اسرائیل محاصره می‌شوند ناگهان دوباره می‌توانند ببینند، و به جای اینکه همه آنها کشته یا به زندان انداخته شوند یا چیزی شبیه به این، الیشع از پادشاه می‌خواهد که برایشان ضیافت خوبی ترتیب دهد و آنها را به خانه بفرستد، و احتمالاً پس از آن، سوری‌ها در حمله به اسرائیل کمی محتاط می‌شوند.

با این حال، چند سال بعد، آنها همین کار را می‌کنند و سامره را محاصره کرده‌اند. سامره به دلیل محاصره در بحبوحه قحطی است. پادشاه اسرائیل سرانجام عصبانی می‌شود که به نوعی آنها در این وضعیت بد گرفتار شده‌اند و حتماً تقصیر الیشع است، یا حداقل الیشع می‌تواند خدا را وادار به انجام کاری در مورد آن کند یا چیزی شبیه به این. و بنابراین، او می‌آید تا الیشع را به قتل برساند، و الیشع می‌گوید، تا همین فردا، غذای فراوان وجود خواهد داشت، و یکی از خدمتکاران پادشاه این را باور نمی‌کند. الیشع به او می‌گوید، خب، آن را خواهی دید، اما از آن چیزی نخواهی خورد. سپس، همان شب معلوم می‌شود که ارتش سوریه فرار کرده است، بنابراین همه صبح روز بعد بیرون می‌روند و اردوگاه را غارت می‌کنند. این مقام پادشاه اسرائیل توسط جمعیت زیر گرفته می‌شود و نمی‌تواند چیزی از غذا بخورد. در هنگام مرگ الیشع، او را در مقبره‌ای قرار می‌دهند و ما در دوم پادشاهان ۱۳ به رستاخیز جسدی که در شرایط سختی در مقبره‌اش انداخته شده بود اشاره کرده‌ایم و این جسد دیگر دوباره زنده می‌شود. رهایی و شهادت دوباره.

از دیگر ویژگی‌های دوره پادشاهی، جذام عزیا در دوم تواریخ ۲۶ است، زمانی که او سعی می‌کند وظایف کاهنی را بر عهده بگیرد، اگرچه کتاب مقدس در عهد عتیق به شدت کاهنی و پادشاهی را از هم جدا نگه داشته است. قضاوت و شهادت.

ارتش آشور، دوم پادشاهان ۱۹ --سنحاریب-- را ویران کرد. لرد بایرون شعری در مورد آن داوری بر آشوریان و رهایی برای اسرائیل دارد. گواهی بر اینکه خدا با آنهاست.

حزقیا در دوم پادشاهان ۲۰ شفا می‌یابد. رهایی برای حزقیا با وارونه شدن سایه خورشید. دوم پادشاهان ۲۰. نیز گواهی بر این است.

در اسارت بابل، دانیال خواب نبوکدنصر را در کتاب دانیال باب ۲ تعبیر می‌کند. مکاشفه. گواهی. کوره آتش.

دانیال ۳. رهایی و شهادت برای شدک، میشک و عبدنغو. جنون نبوکدنصر در فصل ۴. داوری بر او. وحی. به او مبنی بر اینکه خدای کتاب مقدس، خدای واقعی است.

گواهی بر این نیز هست. دست‌نوشته‌ای بر دیوار برای نواده یا جانشین او، بلشصر. داوری.

مکاشفه. گواهی. دانیال در چاه شیر.

دانیال ۶. رهایی. گواهی. خلاصه

مضامین معجزات عهد عتیق. یکی از مضامین مهم این است که معجزات به عنوان گواهی بر پیامبر، شخصی که این کارها را انجام می‌دهد یا دستور می‌دهد، عمل می‌کنند. آنها به عنوان گواهی بر وجود خدا عمل می‌کنند.

به واقعه کوه کرم، خدا در مقابل بعل، یا وضعیت شفای نعمان فکر کنید، که در سرزمین خود هیچ کمکی دریافت نمی‌کرد، به اسرائیل می‌آید و خدا او را شفا می‌دهد، و ژنرال می‌گوید، خب، بگذارید مقداری از خاک اینجا را پس بگیرم، و یک قربانگاه می‌سازم، و فقط خدای اسرائیل را پرستش خواهم کرد.

ویژگی سوم، داوری بر باورهای نادرست یا اعمال گناه‌آلود است.

و سپس محافظت و رهایی دیگری برای قوم خدا که وفادار هستند. و به تصویر کشیدن چیزی در مورد ماهیت خدا در این چیزهای مختلف، اینکه خدا خدایی است که با او سرسری گرفته نمی‌شود و خدایی است که دلسوز است، قوم خود را نجات می‌دهد، کسی است که به حقیقت و نیکی اهمیت می‌دهد و بنابراین شرارت را داوری می‌کند. اجرای برنامه خدا به طرق مختلف یکی از کارهایی است که معجزات عهد عتیق انجام می‌دهند، ها؟

به ابراهیم و خروج و الیاس فکر کنید که بنی اسرائیل را به وفاداری به خدا دعوت می‌کند. خب، این اولین نکته‌ای است که در اینجا بررسی می‌کنیم: معجزات عهد عتیق. حالا نگاهی سریع به معجزات عهد جدید نیز به همین ترتیب می‌اندازیم.

نگاهی سریع به ماهیت و هدف آنها. و در مورد معجزات، ما زیاد در مورد معجزات صحبت نخواهیم کرد. عیسی چیز زیادی نخواهد گفت زیرا دوره ما در مورد همین است.

ما قصد داریم در ادامه به این موضوع بپردازیم. بدیهی است که معجزات مربوط به تولد عیسی، معجزات مربوط به رسالت او، که در بخش عمده‌ای از دوره به آن باز خواهیم گشت، و سپس رستاخیز و عروج عیسی است. بنابراین مطمئناً، در بدو تولد او، شاهد گواهی هم در مورد چوپانان و هم در مورد مغان هستید، و رستاخیز و عروج او چیزی را در مورد عیسی به ما نشان می‌دهد که به گفته ما اکنون به دست راست خدا بالا برده شده است، بسیار والا و وعده‌ای مبنی بر بازگشت او روزی.

ما به سراغ معجزات رسولان می‌رویم. پنطیکاست، اعمال رسولان ۲، عملی که لوقا، راوی کتاب اعمال رسولان، برای ما تعریف می‌کند، اساساً معجزه‌ای از عیسی است. اگر دوست دارید، عیسی روح القدس خود را می‌فرستد.

بنابراین، این تحقق پیش‌بینی‌هایی است که حتی توسط یحیی تعمید دهنده انجام شده بود مبنی بر اینکه کسی خواهد بود که مردم را با روح تعمید خواهد داد، و عیسی نیز چنین پیش‌بینی‌ای کرد. و قبل از قوم اسرائیل، همانطور که درست پس از مصلوب شدن عیسی آمد، و آنها، به جز معدود حواریون و برخی دیگر ظهورهای پس از رستاخیز او را ندیده بودند، اما روح القدس و صحبت به زبان‌ها و غیره گواهی بر این است که این عیسی است که از مردگان برخاسته است.

شفای گدای لنگ در اعمال رسولان ۳، پطرس را به عنوان واسطه، اگر دوست دارید، در ارتباط با شفا، قرار می‌دهد، و با این حال، این یک رهایی برای گدای لنگ است، اما همچنین گواهی است بر اینکه عیسی، که رهبری او را مصلوب کرده بود، اکنون با پیروانش است، اگر دوست دارید. مرگ حنانيا و سفیره در اعمال

رسولان ۵، باز هم پطرس اساساً فقط اعلام می‌کند که چه اتفاقی قرار است بیفتد، داوری بر حنانيا و سفیره و باز هم، نوعی گواهی برای مسیحیانی که این را می‌بینند اما خودشان داوری نمی‌شوند.

رسولان از زندان نجات یافتند، اعمال رسولان ۵. بدیهی است که این کار یک فرشته و رهایی است. روح القدس بر سامریان نازل شد. پطرس و یوحنا در اعمال رسولان ۸ در آنجا حضور دارند. تحقق این که این روح القدس بر تمام بشر نازل خواهد شد.

این به نوعی گام بعدی برای شهادت به سامری‌ها است، که پطرس و یوحنا هستند، شهادتی درباره عیسی هدایت و انتقال فیلیپ در اعمال رسولان ۸ هنگامی که او برای مواجهه با خواجه اتیوپیایی و امثال آن برانگیخته می‌شود، و به ما گفته می‌شود که کار در اینجا، معجزه در اینجا توسط روح القدس و وحی به خواجه و خدمت به خواجه و نجات او است. تغییر مذهب پولس در اعمال رسولان فصل ۹ و در اینجا اگر دوست دارید، عیسی معجزه است.

او کسی است که ظاهر می‌شود و پولس را نجات می‌دهد. شفای اینیاس فلج، اعمال رسولان ۹. اگر دوست دارید، پطرس واسطه است. نجات و شهادت.

رستاخیز دورکاس، اعمال رسولان ۹. پطرس، رهایی، گواهی. ایمان آوردن کورنلیوس، فصل ۱۰. در ابتدا فرشته، رهایی، گواهی، و سپس پطرس آمد و روح به این شکل ریخته شد.

مزامیر در اعمال رسولان ۱۱ توسط آگابوس یک مکاشفه است. پطرس از زندان نجات می‌یابد، اعمال رسولان ۱۲ - کار یک فرشته، رهایی.

مرگ هیرودیس آگریبا، اعمال رسولان ۱۲. کار یک فرشته، داوری. جادوگر الیما در قبرس در اعمال رسولان کور کرد ۱۳.

اگر بخواهید، پولس واسطه است - قضاوت و گواهی سرگیوس پولس بر اعتبارنامه‌های پولس. شفای مرد لنگ در لستره، اعمال رسولان ۱۴.

پولس واسطه، رهایی و گواهی است. رؤیایی از مقدونیه در اعمال رسولان فصل ۱۶. من بعد از آن علامت سؤال گذاشتم.

خب، خدا به نوعی منبع اصلی است، اما چه اتفاقات دیگری در آنجا در حال رخ دادن است؟ وحی برای رفتن به مقدونیه و ادامه کار در آنجا در دومین سفر تبلیغی پولس. معجزات رسولان ادامه یافت. اعمال رسولان ۱۶.

دختر دیورده در فیلیپی. پولس کسی است که دیو را سرزنش می‌کند و بیرون می‌آید. رهایی دختر در فیلیپی باعث مخالفت با پولس می‌شود و این اغلب از طریق معجزات اتفاق افتاده است.

من قبلاً به آن اشاره نکرده‌ام، اما مطمئناً در معجزات عیسی رخ داده است، که ما از آن صرف نظر کردیم. زلزله در زندان فیلیپی، اعمال رسولان ۱۶. و دوباره، یک علامت سوال در کنار آن.

به نظر نمی‌رسد که پولس یا برنابا آن را درخواست کرده باشند یا چیزی شبیه به این، اما اگر دوست دارید، خدا آن را فرستاد - رهایی برای پولس و برنابا و پولس و سیلاس. ببخشید، من مدام می‌گویم برنابا

پولس و سیلاس و شهادت آنها، قطعاً برای زندانبان فیلیپی و خانواده‌اش. رؤیا در قرنتس، اعمال رسولان ۱۸. به ما گفته شده است که خداوند ظاهر می‌شود.

احتمالاً عیسی. وحی به پولس مبنی بر اینکه با وجود نشانه‌های نسبتاً بدی که در آن جهت وجود دارد، در شهر آسیبی به او نخواهد رسید و او باید به کار خود در آنجا ادامه دهد. نزول روح القدس بر پیروان یحیی تعمید دهنده در افسس در اعمال رسولان ۱۹.

بدیهی است که روح القدس در حال کار است و دوباره روح القدس بر تمام بشر ریخته می‌شود. اکنون، از اسرائیل در پنطیکاست به سامریان و اکنون به پیروان یحیی تعمید دهنده می‌رسیم. احتمالاً اکثر آنها هنوز یهودی هستند.

انتظار نداشتم غیریهودیان زیادی آنجا باشند، اما ممکن است تعدادی وجود داشته باشد، اما ابراز مداوم آن و شاید شروع به جذب برخی از پیروان یحیی تعمید دهنده کند. اعمال رسولان ۱۹. حمله شیطانی به پسران اسکیاوا.

اگر دوست دارید، یک معجزه شیطانی، اما آنها را به عذاب الهی می‌رساند. رستاخیز افتیخوس، اعمال رسولان ۲۰. پولس و رهایی، واضح است.

پیشگویی دستگیری آغابوس در اعمال رسولان ۲۱. مکاشفه. رؤیا در اورشلیم، اعمال رسولان ۲۳.

خداوند، احتمالاً عیسی، بر پولس ظاهر می‌شود و به او آشکار می‌کند که در واقع، او از این مهلکه جان سالم به در خواهد برد و حتی به روم نیز خواهد رسید. سپس، در اعمال رسولان ۲۷، فرشته رؤیای مربوط به غرق شدن کشتی را برای پولس می‌آورد. بله، کشتی غرق خواهد شد، اما خدا تمام سرنشینان آن را به پولس داده است.

هیچ جانی از دست نخواهد رفت و مکاشفه‌ای رخ نخواهد داد. سپس در مالت، اعمال رسولان ۲۷. پولس توسط مار آسیبی ندید.

من پاول را به عنوان بازیگر قرار دادم، اما می‌توانستم یک علامت سوال هم بگذارم. این یک رهایی برای پاول و گواهی بر مالتی‌ها است. حدس می‌زنم اصطلاحی که ما استفاده می‌کنیم مالتی است.

اینکه این شخص، مجرم فراری نیست که به سزای اعمالش رسیده، همانطور که در ابتدا وقتی دیدند مار، پولس را نیش زد، فکر کردند. شفای بیماران در مالت. به نظر می‌رسد این همان پولس، اعمال رسولان ۲۸. و رهایی برای آنها و شهادت دوباره برای پولس است.

در نهایت، رؤیاهایی که یوحنا در پاتموس دید از جانب عیسی و یک فرشته بود و مسلماً وحی الهی بودند. خوب، این یک مرور سریع از معجزات عهد جدید بود. فکر می‌کنم بیشتر آنها را به هر حال دریافتم.

از نظر مضامین، بسیار شبیه عهد عتیق است، اما مسیح‌محورتر. به طوری که ما شروع به دیدن ماهیت تثلیثی خدا می‌کنیم، و ماهیت مسیح را واضح‌تر می‌بینیم، و بنابراین معجزات عهد جدید مسیح‌محورتر هستند.

احتمالاً، تمام معجزات داوری و رهایی، به نوعی به عنوان گواهی بر وجود معجزه‌گر یا انجیل در کلیسای مسیحی عمل می‌کنند. هیچ مدرک روشنی در اعمال رسولان مبنی بر کاهش معجزات در اواخر کتاب وجود ندارد. این ادعا اغلب مطرح شده است، اما به نظر نمی‌رسد که خیلی قوی باشد.

خب، اگر دوست داشته باشید، بخش اول ما در مورد معجزات به پایان رسید، و این فقط یک مرور سریع بر مطالب عهد عتیق و جدید بود تا بفهمیم خدا از معجزات برای چه کاری استفاده می‌کند.

به نظر شما، آیا می‌توانیم به بخش دوم برویم؟ من که با آن موافقم.